



بودلر، و آثار او

شارل بودلر، از شعرای معروف قرن نوزدهم فرانسه، در نهم آوریل ۱۸۲۱ میلادی، در شهر پاریس قدم بعرصهٔ حیات نهاد. پدر او، فرانسوا بودلر، اوایل عمر در خدمت یکی از دوکها سمت پیشکاری داشت و در اواخر بمقام ریاست دفتر سنای فرانسه منصوب گردید. بودلر، بیش از هفت سال نداشت که پدر مهربان خود را از دست داد و این واقعه اثری عمیق در زندگی او باقی گذاشت و پس از یکسال مادرش با یکی از افسران ارتش فرانسه ازدواج کرد. مرگ پدر و ازدواج مادر در حقیقت حساسیت فوق العاده‌ای در روح این شاعر بوجود آورد که در تمام آثار او به صورت اندوههایی رنج آور بچشم میخورد، در سالی که بین مرگ پدر و ازدواج مجدد مادر فاصله شد وی مورد محبت زیاد مادر قرار داشت و این زن مهربان نیز باو محبت فراوان می کرد و ازینرو همه جا از عشق بمادر و آن همه مهر و صفا و خاطرات خوش سخن می گوید. ناپدریش پس از ازدواج بیدرننگ مأمور لیون شد و زن و پسر خوانده اش را با خود همراه برد. بودلر تحصیلات ابتدائی خود را در شهر لیون گذراند و بعد برای ادامه تحصیل به پاریس آمد و در دبیرستان لوئی کبیر به تسمیل پرداخت و در این مدرسه است که حیات ادبی بودلر آغاز میگردد، زیرا در مسابقهٔ بهترین شعر بزبان لاتین که از طرف اولیاء دبیرستان ترتیب داده شده بود باخشد جایزه موفق گردید و در سالهای آخر

* آقای دکتر علی افقه مشاور صاحب نظر، وزیر علوم و آموزش عالی

دیرستان نیز گاهنگا اشعاری بزبان فرانسه می‌گفت و مورد تحسین دیران خود قرار میگرفت. در سال ۱۸۳۹ باخذ دیپلم متوسطه توفیق یافت و در همین سال در عنفوان جوانی یک سلسله ناراحتیهای روحی دچار گردید که منشأ آنرا باید در مرگ پدر و ازدواج مجدد مادر جستجو کرد. در حقیقت در این تاریخ است که صبر و بردباری شاعر و تحمل محرومیتهائی که تابحال او را رنج میداد پایان می‌رسد و این جوان حساس یکباره از خشونت ناپدریش، که در همین اوقات بمقام ژنرال رسیده بود، بی‌طاقت و پس از نزاع سختی با او، برای همیشه، از مادر و ناپدریش جدا میشود. بودلر پس از فراغ از تحصیل و کناره‌گیری از خانواده، زندگی ادبی خود را آغاز و با بیشتر نویسندگان و شعرای فرانسه آشنائی پیدا می‌کند.

بودلر در این ایام بیش از هر چیز شیفته مشرق زمین شده بود و قصد داشت به هندوستان مسافرتی کند و پس از تهیه مقدمات در سال ۱۸۴۱ با کشتی از بندر بوردو عازم کلکته گردید. در کشتی از مسافرتین دوری می‌کرد و حاضر نبود با کسی سخن گوید، چهره او نیز بحدی زرد و پژمرده بنظر میرسید که ناخدای کشتی تصور کرده بود بمرضی خطرناک گرفتار است و از این رو او را در جزیره بوردون با جبار پیاده کرد و بودلر پس از گردش در آن جزیره و جزیره موریس بفرانسه مراجعت نمود.

بعد از مراجعت بفرانسه با ثروت مختصری که شخصاً داشت خانه‌ای در پاریس، در کنار رود سن، فراهم کرد، گویا اینکه بواسطه طبع زودرنج و حساس شاعرانه نمیتوانست در یک خانه بمدتی زیاد اقامت کند و پیوسته منزل خورد را تغییر میداد. در سال ۱۸۴۵ چند قطعه از «گل‌های غم»^۲ را سرانید و در محافل ادبی پاریس قرائت کرد و مورد توجه فوق‌العاده قرار گرفت و در این محافل نه تنها بهات شعرش نفوذ داشت بلکه یکی از جوانهای زیباپوش و خوش لباس فرانسه نیز بشمار می‌آمد. در همین ایام او این مقاله خود را بعنوان سالن ۱۸۴۵ انتشار داد و در آن از تابلوهای سالنهای آنروز پاریس انتقاد کرده بود. از این به بعد با روزنامه ادبی کورسیر ساتن همکاری کرد.

ازوقایع زندگی او در این سالها آشنائی با تئوفیل گوتیه نویسنده معروف فرانسه است، که بعداً بدوستی تبدیل گردید. در همین ایام کار اختلاف با خانواده اش بالا گرفت و بنا به پیشنهاد مادر و ناپدریش، طبق رأی دادگاه، یکی از صاحب دفتران اسناد رسمی پاریس بعنوان ناظر بر اموال او تعیین گردید.

بودلر در سال ۱۸۴۸ بعضی از آثار ادگار آلن پورا بفرانسه ترجمه کرد. در سالهای بعد هجده قطعه از اشعار خود را در مجله «دودینا» بچاپ رسانید. در سال ۱۸۵۷ اولین بار، اثر معروف خود را که دیوان گل‌های غم نام دارد و یکی از آثار جاویدان اوست منتشر و بی‌اندازه کسب شهرت

کرد. در همین سال اولین قسمت از اشعار منشور بود لیس در مجله «عصر حاضر» تحت عنوان «اشعار کوتاه منشور»^۳ بچاپ رسید. در سال ۱۸۶۰ بعلت قرضهای زیادی که داشت نزدیک بود از پای درآید ولی انتشار دیوان اشعار او بنام «بهشتهای ساختگی»^۴ تا حدی مشکلات او را جبران نمود. در سال ۱۸۶۱ چاپ دوم کتاب «گلهای غم»، برای او ۳۵ لویی طلا بدست آورد و بزندگی او سروسامانی بخشید. در همین سال مقاله ای در باب «واگنر» و مقاله دیگری درباره عده ای از شعرای معاصر بچاپ رساند. در همین ایام نامزد عضویت فرهنگستان فرانسه گردید. در سال ۱۸۶۴ برای امرار معاش پاریس را بقصد بروکسل ترک گفت تا در آنجا از راه ایراد نطق و کنفرانس پولسی بدست آورد. در همین شهر با چندین مجله و روزنامه ادبی همکاری کرد، از جمله مجله سودای پاریس^۵ که بعداً بودلر نام کتاب شعرهای منشور خود را از آن گرفته است زیرا اولین قطعه کتاب (اندوه پاریس) را در آن مجله انتشار داده بود. در سال ۱۸۶۵ کتاب هنر رمانتیک را بچاپ رسانید. در همان سال مجموعه اشعار منشور خود را تحت عنوان «اندوه پاریس»^۶ بچاپ رسانید. در سال ۱۸۶۶ بعلت سکنه مغزی مفلوج شد و برای معالجه به پاریس مراجعت کرد و مدت یکسال در نقاهتخانه انجمن خیریه پاریس بستری بود و در اوت ۱۸۶۷ چشم از جهان فرو بست و او را در قبرستان مونپارناس^۷ پاریس بخاک سپردند.

از آثار بودلر اسپلن دو پاری تحت عنوان «ملال پاریس» و چندین قطعه شعر از دیوان نلور دومال زیر عنوان گلهای بدی بوسیله ترجمان صاحب نظر آقای دکتر محمد علی اسلامی نسدوشن ترجمه شده و تا بحال این مجموعه دوبار بچاپ رسیده است. ایشان بنام ملال پاریس، ۴۱ نمله از دیوان منشور بودلر را در کمال امانت و زیر دستی ترجمه کرده اند و بطور قطع از چاپ اسپلن دو پاری که در دسترس ایشان قرار داشته بیش از این قطعاتی موجود نبوده است.

ولی در چاپ دیگر این کتاب قطعاتی بچشم میخورد که هنوز ترجمه نشده است و اینک در مجله گوهر، تحت عنوان «قطعاتی چند از اندوه پاریس» در هر شماره ترجمه ای از آن در دسترس خوانندگان محترم قرار میگیرد.

۱-- Baudlaire ۲-- Fleurs du mal ۳-- Les petits poèmes en prose
 ۴-- Les Paradis artificielles ۵ و ۶-- Spleen de Paris
 ۷-- Montparnasse